
۲ . ستّین عادلّی

عادل بن علی خراسانی

تحقیق: حسین گودرزی

... *لیک چون اختصاراً مطلوب است در طباع اقتصاراً مرغوب است
عادل آن را به التماس کسی کان احادیث خوانده بود بسی
گفت یک بیت هر حدیثی را دلفریب ولطیف و روح افزا
غیر شش لفظ کان نبود امکان که به یک بیت، شرح آن بتوان
بهر آن شش، دو بیت و باقیها همه یک بیت، فانظروا فیها
چون معانیّ جمله شد مرقوم شد به ستّین عادلّی موسوم
هر که خواند، بر او مبارکباد حافظش سورة تبارک باد

آمین یا ربّ العالمین

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا كن به نام حى قديم تا كه ايمن شوى ز ديورجيم

(۱)

إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَّا نَوَىٰ .^۱

درست نيست كارها مگر به نيته، و به درستی كه هر مردى راست آنچه نيّت كرد.

نيست اعمال جز به نيت مرد هر كسى راست آنچه نيّت كرد

(۲)

نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ .^۲

نيّت مؤمن بهتر از عمل او [است] زيرا كه نيّت، امر قلبى است و عمل، امر قلبى .

نيّت مؤمنى كه بهى خلل است مصطفى گفت: بهتر از عمل است

(۳)

مَنْ حَفِظَ عَنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَقِيهَا عَابِدًا .^۳

۱ . ر . ك : صحيح البخاري ، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل بخارى (ت ۲۵۶هـ) ، ج ۱ ، ص ۲ ، دارالفكر ، بيروت ، ۱۴۰۱ ؛ عوالي الثمالي ، محمد بن علي بن ابراهيم احسايسى معروف به ابن ابي جمهور (ت ۹۴۰) ، تحقيق : حاج آقا مجتبي عراقى ، ج ۱ ، ص ۸۱ و ج ۲ ، ص ۱۱۱ ، مطبعة سيدالشهداء (ع) ، قم - ايران ؛ و در تهذيب الاحكام ، ابو جعفر محمد بن حسن معروف به شيخ طوسى (ت ۴۶۰هـ) ، تحقيق و تعليق : سيد حسن موسوى ، ج ۱ ، ص ۸۳ ، دارالكتب الاسلاميه ، با اين عبارت آمده : « إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِمَرْءٍ مَّا نَوَىٰ » .

۲ . ر . ك : الكافي ، ابو جعفر محمد بن يعقوب بن اسحاق كلينى ، ج ۲ ، ص ۸۴ ، مطبعة حيدرى ، تحقيق : على اكبر غفارى ، دارالكتب الاسلاميه : ۱۳۸۸هـ ؛ كنز العمال ، علاء الدين على متقى بن حسام الدين هندى ، ج ۳ ، ص ۴۱۹ ، ح ۷۲۳۶ و ص ۴۲۴ ، ح ۷۲۷۰ ، بيروت ، مؤسسة الرسالة ؛ مسند الشهاب ، قاضى عبدالله محمد بن سلامة القضاعى ، تحقيق حمدى عبدالمجيد السلفى ، ج ۱ ، ص ۱۱۹ ، بيروت ، مؤسسة الرسالة .

۳ . ر . ك : وسائل الشيعه ، شيخ محمد بن حسن حرّ عاملى ، ج ۱۸ ، ص ۶ ، تحقيق : شيخ عبدالرحيم ربانى شيرازى ، دارالاحياء التراث العربى : ۱۴۰۳هـ ، با اين عبارت آمده : « مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا يَنْتَفَعُونَ بِهَا بَعَثَ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَقِيهَا عَابِدًا » .

هر که یاد گیرد از امت من چهل حدیث را، بنویسند به امر خداوند تعالی در روز قیامت نام او را فقیه و عابد.

چهل حدیث آن کسی که از برکرد عبادت و فقیه در محشر
(۴)

الْوُضُوءُ عَلَى الْوُضُوءِ نُورٌ عَلَى نُورٍ.^۴

وضو کردن بر سر وضو، نور بر نور است.

چون وضو بر سر وضو سازی بر سر نور، نوری افزایی
(۵)

أَهْلُ الْقُرْآنِ، أَهْلُ اللَّهِ وَخَاصَّتُهُ.^۵

گفت پیغمبر - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ -: که اهل قرآن اهل خدا و خاصگان اویند.

اهل قرآن بوند اهل الله زمرة خاص بارگاه اله
(۶)

صَلَاةُ الشَّيْبَعَانَ كَصَلَاةِ السَّكْرَانِ.^۶

نماز گزاردن سیر، همچون نماز گزاردن مست است.

طاعتی کان شکم پرست کند چون نمازی بود که مست کند
(۷)

الشُّهُرَةُ أَفْتٌ، وَالْحُمُولُ رَاحَةٌ.^۷

مشهور شدن آفت است و ناشناخت شدن راحت است.

شهرت مرد، آفت است و گزند گوشه گیری است راحت ای فرزند

۴. ر.ك: من لايحضره الفقيه، شيخ صدوق، ج ۱، ص ۴۱، تحقيق على اكبر غفاري، جامعة مدرسين حوزه علمية قم: ۱۴۰۴ هـ.

۵. ر.ك: اعلام الدين، ابو محمد حسن بن ابى الحسن ديلمى، ص ۱۰۰، مؤسسة آل البيت (ع)، بيروت، چاپ دوم: ۱۴۰۹ هـ.

۶. حدیثی بدین عبارت در جوامع روایی پیدا نشد.

۷. ر.ك: كنز العمال، ج ۶، ص ۱۵، ذیل روایت شماره ۱۴۶۳۵ آمده است.

(۸)

طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ.^۸

طلب علم فریضه است بر همه مردان مسلمان و زنان مسلمان.

طلب علم بر مسلمانان فرض دان هم زنان و هم مردان

(۹)

أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَكُونُوا بِالصَّيْنِ.^۹

طلب کنید علم را، و اگر چه باید رفت به چین.

طلب علم کن به صدق و یقین ورچه باید شدن به جانب چین

(۱۰)

تَعَلَّمُوا حَتَّى السَّحَرِ.^{۱۰}

گفت پیغمبر - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - : دانش آموزید اگر چه سحر باشد.

سعی آن کن که دانش اندوزی ور همه سحر باشد، آموزی

۸ . ر.ك: بحار الانوار، علامه محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، ج ۱، ص ۱۷۷ و ج ۲، ص ۳۲، مؤسسة وفاء، بیروت، چاپ دوم: ۱۴۰۳ هـ؛ امالی المفید، ابو عبدالله محمد بن نعمان بغدادی معروف به شیخ مفید، ص ۲۹، تحقیق: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مطبعة اسلامیة، ۱۴۰۳ هـ؛ و در كنز العمال ج ۱۰، ص ۱۳۸، ح ۲۸۶۹۷ و الجامع الصغیر، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بكر سیوطی، ص ۳۲۵، دارالکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول: ۱۴۱۰ هـ، با این عبارت آمده: «طلب العلم فریضة على كل مسلم».

۹ . ر.ك: كنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۳۸، ح ۲۷۶۹۷؛ بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۷ و ص ۱۸۰.

۱۰ . حدیثی بدین عبارت در جوامع روایی یافت نشد. ولی در بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۱۰، ح ۲، در این موضوع، حدیثی به این صورت نقل شده است: «عن الامام علی (ع): من تعلم شيئاً من السحر قليلاً أو كثيراً فقد كفر». .

(۱۱)

النَّاسُ عَالِمٌ أَوْ مَتَعَلِّمٌ وَالْبَاقِي هَمَّجٌ لَّا خَيْرَ فِيهِمْ . ۱۱

مردمان دو قسمند، دانا و آموزنده، و دیگران خرمگسند که نیست هیچ نیکی در ایشان.

عالم و طالب علوم، گسند غیر اینها تمام، خرمگسند

(۱۲)

عِنْدَ ذِكْرِ الصَّالِحِينَ تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ . ۱۲

نزد یاد کردن صالحان فرو می آید رحمت.

هر کجا یاد صالحان گذرد رحمت حق در آن مکان گذرد

(۱۳)

الْعِلْمُ عِلْمَانِ، عِلْمُ الْأَبْدَانِ وَعِلْمُ الْأَدْيَانِ . ۱۳

علم دو گونه است، علم بدن و علم دین.

شد دو قسم ای پسر علوم، یقین نیمه علم طب و نیمه دین

(۱۴)

مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَعْتَنِيهِ . ۱۴

از نیکویی مسلمانی مرد، ترك کردن آنچه او را به کار نیاید.

حُسنِ اسلامِ مرد دیندار ترك چیزی است کش نیاید کار

۱۱ . ر.ك: سنن الدارمی، عبدالله بن بهرام الدارمی، ج ۱، ص ۹۴، با اندکی اختلاف، تحقیق محمد احمد دهمان، مطبعة اعتدال، دمشق.

۱۲ . ر.ك: احیاء علوم الدین، ابو حامد محمد غزالی، ج ۲، ص ۳۳۲، دار الهادی، بیروت؛ تخریج احادیث الاحیاء، محمود بن محمد حداد، ج ۳، ص ۱۲۷۴، ح ۱۹۲۹، دارالعاصمة، ریاض، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ.

۱۳ . ر.ك: بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۰ و ج ۵۸، ص ۱۲۳؛ عوالي اللئالی، ج ۲، ص ۳۰

۱۴ . ر.ك: مسند احمد، احمد بن محمد بن حنبل شیبانی، ج ۱، ص ۲۰۱، تحقیق: حمدی عبدالمجید سلفی، مؤسسة الرسالة؛ تحف العقول، حسن بن علی حرانی، ص ۳۹۵، تحقیق: علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۶ هـ؛ مسندالشهاب، ج ۱، ص ۱۴۳

(۱۵)

لَاغْنَى مَعَ الزَّانَا وَلَا فُقْرَ مَعَ الضَّحَى . ۱۵

توانگری با زنا جمع نشود و درویشی با نماز چاشت جمع نشود .

نشود مجتمع زنا و غنی همچو درویشی و نماز ضحی

(۱۶)

الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَبَدِهِ . ۱۶

مسلمان آن کس باشد که به سلامت باشند مسلمانان از زبان او و دست او .

مکن آزار کس ز دست و زبان تا سوی ای دل از مسلمانان

(۱۷)

الْمُؤْمِنُ مَنْ آمَنَ جَارُهُ بَوَاقِعَهُ . ۱۷

مؤمن آن کس است که ایمن باشد همسایه او از بدی های او .

ای دل آن لحظه خوانمت مؤمن کز تو همسایه ها شوند ایمن

(۱۸)

الْكَبِيرُ مَعَ الْكَبِيرِ صَدَقَهُ . ۱۸

تکبیر کردن با متکبیر صدقه ای است .

۱۵ . در منابع زیر با این عبارت آمده است : «لاغنی مع فجور» ر . ک : الارشاد ، شیخ مفید ، ج ۱ ، ص ۳۰۳ ،

با ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی ، انتشارات علمیه اسلامیة ؛ کنزالفوائد ، شیخ محمد

کراچکی ، ج ۱ ، ص ۱۳۷ ، با استفاده از نسخه موجود در نرم افزار معجم مداخل ، مؤسسه نشر حدیث

اهل البیت (ع) ، تهران : ۱۳۷۵ هـ ؛ بحارالانوار ، ج ۷۳ ، ص ۲۵۷ ؛ مستدرک الوسائل ، حاج میرزا حسین

نوری ، ج ۱۲ ، ص ۱۷ ، مؤسسه آل البیت (ع) ، بیروت ، چاپ اول : ۱۴۰۸ هـ .

۱۶ . ر . ک : کافی ، ج ۲ ، ص ۲۳۵ ؛ اعلام الدین ، ص ۲۶۵ ؛ محاسن ، احمدین محمدین خالد بروقی ، ج ۱ ،

ص ۲۸۵ ، دار الکتب السلامیه ، تهران ؛ المحلی ، علی بن احمدین سعیدین حزم ، ج ۱ ، ص ۲۱ و ج ۴ ،

ص ۲۰۸ ، تحقیق : احمد محمد شاکر ، دار الفکر ، بیروت ؛ مسندالشهاب ، ج ۱ ، ص ۱۳۱

۱۷ . ر . ک : کافی ، ج ۲ ، ص ۶۶۸ ؛ معانی الاخبار ، شیخ صدوق ، ص ۲۳۹ ، تحقیق : علی اکبر

غفاری ، نشر مکتبه صدوق تهران و مؤسسه دارالعلم قم ، ۱۳۷۹ هـ .

۱۸ . ر . ک : اخلاق ناصری ، خواجه نصیرالدین طوسی ، ص ۲۹۷ ، انتشارات علمیه اسلامیة ، چاپ

اول : ۱۴۱۳ هـ .

ای که هستی چو نور در حدقه کبر با اهل کبر دان صدقه

(۱۹)

مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ وَمَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ اللَّهُ. ۱۹

هر کس که تواضع کند از برای خدا با مردمان، بلند مرتبه گرداند او را خدای تعالی، و هر کس که تکبر کند با بندگان خدا بپندازد خدای تعالی و تقدس او را از مرتبه خود.

رفعت آرد تواضع لله کبر، اندازد از مناصب و جاه

(۲۰)

تَخَلَّقُوا بِاخْلَاقِ اللَّهِ. ۲۰

خُلُقِ کُنید با خُلُقِ خدا همچون خُلُقِ خدا با خُلُقِ .

آن چنان کن تو با خلائق و خُلُقِ که کند با عباد، خالقِ خُلُقِ

(۲۱)

مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَتْ يَتَابِعُ الْحِكْمَةَ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ. ۲۱

هر که خالصاً لله برخیزد چهل صباح، ظاهر شود چشمه های حکمت از دل او بر زبان او.

چل صباح هر که خالصاً لله علم و دانش ز بارگاه اله

جوید آخر شود به کام روان چشمه حکمت از دلش به زبان

۱۹. ر.ك: كنز العمال، ج ۳، ص ۱۱۲، ح ۵۷۳۰؛ تحف العقول، ص ۴۶؛ بحار الانوار، ج ۹۴،

ص ۱۰۹؛ مسند الشهاب، ج ۱، ص ۲۱۹

۲۰. ر.ك: بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۱۲۹

۲۱. ر.ك: حلیة الاولیاء، احمد بن عبدالله اصفهانی، ج ۵، ص ۱۸۹، دارالکتب العلمیة، بیروت،

چاپ اول: ۱۴۰۹هـ؛ جامع صغیر، ص ۵۱۰؛ و در الدر المثور، عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی،

ج ۲، ص ۱۳۷، دارالفکر، بیروت، با این عبارت آمده: «ما اخلص عبد لله اربعین صباحاً إلا ظهرت

یتابع الحکمة من قلبه علی لسانه».

در این زمینه مولوی چنین سروده است:

آن یتابع الحکم همچون فرات از دهان او دوان از بی جهات

دفتر ششم [۱۰۱۶/۶]

(۲۲)

مَنْ أَكَلَ مَعَ مَغْفُورٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ. ۲۲

هر که بخورد طعام با آمرزیده ای، بیامرزد خدای تعالی او را.
گر طعامی خوری تو با مغفور کند از هر گناهت ایزد دور

(۲۳)

الْكَرِيمُ إِذَا وَعَدَ وَفَا وَإِذَا تَوَعَّدَ عَفَا. ۲۳

کریم آن است که چون وعده کند با کسی به آن وعده وفا کند و چون ترسی دهد کسی را عفو کند.

او کریم است نزد اهل صفا که چو مردان کند به وعده وفا
وان کرم دار را تو خوان زنده که دهد دل به مرد ترسنده

(۲۴)

مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَّ وَجَدَ. ۲۴

هر که طلب کند چیزی را و جدّ در آن بنماید، بیابد آن را.
ای که با بخت خویش در تابی هر چه جوئی و جد کنی، یابی

۲۲. حدیثی بدین عبارت در جوامع روایی پیدا نشد.

۲۳. ر. ک: هدایةالمسترشدین، شیخ محمد تقی، ص ۴۳۹، در نسخه موجود در نرم افزار معجم فقهی، مرکز معجم فقهی حضرت آیت الله گلپایگانی (ره) - قم: ۱۴۱۶ هـ، به این عبارت آمده: «الکریم إذا وعد به وإذا توعد عفی...».

۲۴. ر. ک: احادیث و قصص مشهوری، بدیع الزمان فروزانفر، تحقیق و ترجمه حسین داوودی، ص ۷۱، امیرکبیر، تهران، چاپ اول: ۱۳۷۶.

در این زمینه مولوی در دفتر اول [۱۴۱۲/۱] چنین سروده است:

جُست او را تاش چون بنده بُود لاجرم جسوننده یابنده بُود
نیز در دفتر پنجم [۱۳۴۲/۵] سروده است:

جدّا باید که جان بنده بود زان که جد جسوننده یابنده بود
ونیز در پایان دفتر ششم، چاپ علاءالدوله، ص ۲۲۹ آمده است:

هر که چیزی جست بی شک یافت او چون به جدّ اندر طلب پشتافت او

(۲۵)

وَمَنْ قَرَعَ بَابًا وَكَلِمًا وَكَلِمًا ۲۵.

هر که بگوید دری را و جهد بنماید، گشوده شود.

ور بکوی بجد و جهد دری چینی از روضه عمل، ثمری

(۲۶)

الدُّنْيَا قَنْطَرَةٌ فَاهْبِرُوهَا وَلَا تَعْمُرُوهَا ۲۶.

دنیا پلی است؛ بگذرید از آن و عمارت مکنید آن را.

بر پل دنیسی از نظر فکنید بگذرید و عمارتش مکنید

(۲۷)

مَنْهُوْمَانِ لَا يَشْبَعَانِ؛ مَنْهُوْمٌ بِالْمَالِ وَمَنْهُوْمٌ بِالْعِلْمِ ۲۷.

دو گرسنه اند که سیر نشوند: یکی گرسنه مال و یکی گرسنه علم.

دو گرسنه که نیست سیری شان بشنواز من دلاز هر دو نشان

یکی آن کس که مال اندوزد دوم آن کس که دانش آموزد

۲۵. مولانا در دفتر سوم [۴۷۸۲/۳] آن را حدیث شمرده است:

گفت پیغمبر که چون کوی دری عاقبت زان در برون آید مسری

و نیز در این زمینه در دفتر اول [۲۸۷۰/۱] چنین سروده است:

چون در معنی زنی بازت کنند پر فکر زنی که شهبازت کنند

۲۶. ر.ک: روضه الواعظین، محمد بن حسن فتال نیشابوری، ص ۴۸۳، تصحیح و تعلیق: شیخ

حسین اعلمی، مؤسسه اعلمی، بیروت، چاپ اول: ۱۴۰۶هـ؛ بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۹۳، ۱۰۷ و

۱۱۹ و

۲۷. ر.ک: تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۲۸؛ الخصال، شیخ صدوق، ص ۵۳، تصحیح و تعلیق:

علی اکبر غفاری؛ احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۳۵۱ و ۴۱۱

مولوی با توجه به روایت: «منهومان لایشبعان: طالب علم و طالب دنیا» در دفتر ششم [۳۸۸۳/۶] و

[۳۸۸۴] چنین می سراید:

کان رسول حق یگفت اندر بیان اینکه منهومان هما لایشبعان

طالب الدنيا و توفیراتها طالب العلم و تدبیراتها

(۲۸)

أَلَا دَمِي بُنْيَانُ الرَّبِّ مَلْعُونٌ مِّنْ هَدَمِهِ^{۲۸}.

آدمئ پروردهٔ خاصّ خداست . ملعون است آن كس كه وجود او [را] خراب كند .
آدمئ چون بنائ بیچون است هر كه سازد خراب ، ملعون است

(۲۹)

أَطْلُبُوا الْحَوَائِجَ مِنْ حَسَنِ الْوُجُوهِ^{۲۹}.

حوائج از خوب رویان طلبید تا مراد یابید .
حاجت از مردم نكورو خواه تا مرادت دهند بی اكراه

(۳۰)

الْإِيمَانُ نِصْفَانُ نِصْفُهُ صَبْرٌ وَنِصْفُهُ شُكْرٌ^{۳۰}.

ایمان دو نیمه است ، نیمه ای صبر و نیمه ای شكر .
هست ایمان دو نیمه ، ای مولئ شكر نعمما و صبر در بلوی

(۳۱)

لَا تُؤْذُوا جَارَكُمْ بِبُخَارِ قَدْرِكُمْ^{۳۱}.

همسایهٔ خویش را به بوی دیگ خود مرنجانید .
از طعام خود ای گران مایه بچشان طعمه ای به همسایه

۲۸ . حدیثی بدین عبارت در جوامع روایی پیدا نشد .

۲۹ . در كنز العمال ، ج ۶ ، ص ۵۲۰ ، ح ۱۶۸۱۱ ، با این عبارت آمده : «اطلبوا الحوائج عند حسن الوجوه» ؛ نیز در مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، علی بن ابی بکر هیشمی ، ج ۸ ، ص ۱۹۵ ، دارالکتب العلمیة ، بیروت ، ۱۴۰۸ هـ ، با این عبارت آمده : «اطلبوا الحوائج إلى حسن الوجوه» .

۳۰ . ر . ك : كنز العمال ، ج ۱ ، ص ۳۶ ، ح ۶۱ والدر المنثور ، ج ۱ ، ص ۶۶ ، در هر دو منبع با این عبارت آمده : «الإيمان نصفان ونصف في الصبر ونصف في الشكر» .

۳۱ . حدیثی بدین عبارت در جوامع روایی پیدا نشد .

(۳۲)

نِعْمَ الْمَالُ الصَّالِحِ لِلرَّجُلِ الصَّالِحِ . ۳۲

چه خوب است مال نیک مر مرد نیک را .

مال نیکو چو یافت مرد نکو گشت معمور دین و دنیای او

(۳۳)

الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلَةِ الطَّيْرِ فِي أَوْكَارِهَا وَاللَّهُ يُرْزُقُهَا بِغَيْرِ حِيلَةٍ . ۳۳

مؤمنان به منزله مرغانند در آشیان های خود . خدای تعالی روزی می دهد ایشان را بی جد و سعی و حيله .

همچو مرغ اندر آشیان مؤمن بی حیل روزیش دهد مؤمن*

(۳۴)

لَا وَجَعَ كَوْجَعِ الْعَيْنِ وَلَا هَمَّ كَهَمِّ الدِّينِ . ۳۴

نیست هیچ دردی چون درد چشم و نیست هیچ غمی چون غم قرض .

هیچ دردی چو درد عین مدان هیچ غم در جهان چو دین مدان

(۳۵)

الشَّيْخُ فِي قَوْمِهِ كَالنَّبِيِّ فِي أُمَّتِهِ . ۳۵

۳۲ . ر.ك: احياء علوم الدين، ج ۳، ص ۳۴۵ و ج ۴، ص ۱۵۲؛ حلیة الاولیاء، ج ۱۰، ص ۴۵؛ و در

مسند احمد: ج ۴، ص ۱۹۷، با این عبارت آمده: «نعم المال الصالح للمرء الصالح» .

مولوی با اشاره به مضمون روایت فوق دفتر اول [۹۸۴/۱] چنین سروده است:

مال را کز بهر دین باشی حمول نعم مال صالح خواندش رسول

۳۳ . حدیثی بدین عبارت در جوامع روایی پیدا نشد .

۳۴ . در کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۲۰، ح ۴۴۱۳۳، با این عبارت آمده: «لا هم كههم الدين ولا وجع كوجع العين» .

۳۵ . ر.ك: احادیث و قصص مشنوی، ص ۲۸۴؛ مشکاة الانوار، علی طبرسی، ص ۱۶۹، دارالکتب

الاسلامیة، چاپ دوم: ۱۳۸۵ هـ؛ جامع الاخبار، محمدبن محمد شعبری سبزواری، ص ۲۴۲،

تحقیق: علاء آل جعفر، نشر مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول: ۱۴۱۴ هـ؛ در دو منبع اخیر با این

عبارت آمده: «الشیخ فی اهله كالنبي فی امته» .

مولوی با اشاره به روایت مذکور در دفتر سوم [۱۷۷۴/۳] چنین می سراید:

گفت پیغمبر که شیخ رفته پیش چون نبی باشد میان قوم خویش

* پناه دهند .

شیخ در میان قوم خود، همچون پیغمبر است در میان اُمّت خود.
شیخ در قوم خویش بی ریت همچو پیغمبر است در اُمّت

(۳۶)

لا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ. ۳۶

نیست ایمان آن کسی را که نیست امانت مراو را، و نیست دین مر آن کسی [را] که عهد
نیست مراو را.

نُبودت گر امانت، ایمان نیست نُبودت دین، چو عهد و پیمان نیست

(۳۷)

لا إِسْلَامَ لِمَنْ لَا صَلَاةَ لَهُ. ۳۷

اسلام ندارد کسی که نماز گزار نیست.

مصطفی گفت اهل ایمان را نیستت اسلام بی نمازان را

(۳۸)

وَلَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا زَكَاةَ لَهُ. ۳۸

و نیست نماز کسی را که زکات مال نمی دهد.

و آن که ندهد زکات مال، رسول گفت نبود نماز او مقبول

(۳۹)

بُعِثَتْ بِجَوَامِعِ الْكَلِمِ. ۳۹

مبعوث شده ام به جوامع کلم.

۳۶. ر.ك: مجموعة ورام، ابوالحسین ورام بن ابی فراس، ج ۲، ص ۲۲۶، دارالکتب الاسلامیة، تهران؛ جامع الاخیار: ص ۱۸۷؛ نوادر الراوندی، سید فضل الله راوندی، ص ۵، مطبعة حیدریه، نجف، چاپ اول: ۱۳۷۰هـ.

۳۷. در بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۱۲، با این عبارت آمده: «لا اسلام لمن لا ورع له».

۳۸. ر.ك: مشكاة الأنوار، ص ۴۶

۳۹. ر.ك: صحیح مسلم، ابوالحسین مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، ج ۲، ص ۶۴، دارالفکر، بیروت؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۴۰۶، ح ۳۱۸۹۹

گفت سید که قادر قیوم بعث من کرد بر جمیع علوم

(۴۰)

خُصَّ بِالْبَلَاءِ مَنْ عَرَفَ النَّاسَ وَحَاشَ بَيْنَهُمْ مَنْ لَمْ يَعْرِفَهُمْ. ۲۰

مخصوص شد به بلا آن کس که بشناخت مردم را و به حضور زیست در میان مردم آن کس که نشناخت ایشان را.

هر که مردم شناس شد، به بلا مبتلا گشت و درد و رنج و عنا

وآنکه نشناخت مردم جاهل می زید در زمانه چون عادل

(۴۱)

الْفَنَى غِنَى الْقَلْبِ لَا غِنَى الْمَالِ. ۲۱

توانگری، توانگری دل است نه توانگری مال.

چون زمالت نشد غنی حاصل باش عادل صفت، توانگر دل

(۴۲)

الْبَخِيلُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَإِنْ كَانَ عَابِدًا. ۲۲

بخیل نمی رود در بهشت، اگرچه عابد باشد.

گرچه باشد ز عابدان بی قیل نرود در بهشت مرد بخیل

(۴۳)

وَالسَّخِيَّ لَا يَدْخُلُ النَّارَ وَكَوْ كَانَ فَاسِقًا. ۲۳

وکریم دار نمی رود به دوزخ، اگرچه فاسق باشد.

مرد فاسق اگر کریم داراست ایمن از شر دوزخ و ناراست

۲۰. با اندکی اختلاف: مستندالشهاب، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۸۱

۲۱. ر. ك: كنز العمال، ج ۳، ص ۷۲۷، ح ۸۵۹۱؛ بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۲۰

۲۲ و ۲۳. در منبع زیر با این عبارت آمده است: «السخي قريب من الله قريب من الناس قريب من الجنة

والبخيل بعيد من الله بعيد من الناس قريب من النار»، احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۳۲۲

(۴۴)

كثْرَةُ السُّؤَالِ يَجْرُ إِلَى الْفَقْرِ. ۲۴

خواست کردن بسیار از مردم می کشد مرد را به فقر و درویشی.

کثرت خواهش از پی پیشی می کشد مرد را به درویشی

(۴۵)

مَنْ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَلَمْ يَأْخُذِ الْعَصَا فَعَصَى. ۲۵

هر کس که رسید به چهل سالگی و عصا به دست نگرفت، عاصی است.

مرد چهل ساله دانی و قاصی گر نگیرد عصا شود عاصی

(۴۶)

الْقَنَاعَةُ كَنْزٌ لَا يَفْنَى. ۲۶

قناعت گنجی است که فانی نمی شود.

تلف مال هست نادانی گنج قناعت نمی شود فانی

(۴۷)

حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ. ۲۷

دوستی دنیا سر همه گناهان است.

۲۴. ر.ك: الخلاف، شيخ طوسى، ج ۳، ص ۲۸۸، نجف، دارالكتب العلمية، با این عبارت آمده:

«كثرة السؤال يوجب...»؛ و در غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد آمدی تمیمی، ترتیب

عبدالحسین دهینی، ص ۲۹۶، ج ۲۲، دارالصفوة، بیروت، چاپ اول: ۱۴۱۳هـ، با این عبارت

آمده: «كثرة السؤال تورث المال».

۲۵. در احقاق الحق، نورالله حسینی مرعشی تستری، ج ۱، ص ۴۴، با تعلیقه آیت الله مرعشی نجفی، نشر

مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم-ایران، با این عبارت آمده: «من بلغ اربعین ولم یحمل العصا فقد عصی».

۲۶. در کنوز الحقائق، عبدالرؤف بن علی مناوی حدادی شافعی، ج ۲، ص ۳۱، دارالكتب العلمية،

بیروت؛ و در احياء علوم الدين، ج ۵، ص ۲۳۱ با این عبارت آمده است: «القناعة مال لا ينفد».

مولوی با اشاره به روایت فوق در دفتر اول [۲۳۲۱/۱] چنین می سراید:

گفت پیغمبر قناعت چیست گنج گنج را تو وانمی دانی زرنج

۲۷. ر.ك: کافی، ج ۲، ص ۱۳۱ و ص ۳۱۷؛ مجموعه ورام: ج ۱، ص ۱۲۸

سر هر جرم و هر خطا به یقین حبّ دنیاست ای سرآمد دین
(۴۸)

عَزِ الدُّنْيَا بِالْمَالِ وَعَزِ الْآخِرَةُ بِالْأَعْمَالِ .^{۴۸}
عزت دنیا به مال است و عزت آخرت به اعمال است .

عزّت و جاهِ دینی از مال است عزّتِ آخرت ز اعمال است
(۴۹)

عَدْلُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً .^{۴۹}
یک ساعت عدل پادشاه، بهتر است از عبادت هفتاد ساله که در غفلت گذرانیده باشد .

عدل یک ساعت ای دل از سلطان به ز هفتاد ساله طاعت دان
(۵۰)

الدُّنْيَا مَرْعَى الْآخِرَةِ .^{۵۰}
خانه دنیا زراعتگاه آخرت است .

دار دنیای دون بر آگاه آخرت را بود زراعتگاه
(۵۱)

تَرَكَ الدُّنْيَا رَأْسَ كُلِّ عِبَادَةٍ .^{۵۱}
دست داشتن از کار و بار دنیا سر همه عبادت هاست .

میل دنیا ز عرف و عادات است ترك دنیا سر عبادات است

۴۸ . در مجموع الغرائب و موضوع الرغائب، تقی الدین ابراهیم بن علی کفعمی، ص ۴۶۱، نرم افزار معجم مداخل، با این عبارت آمده: «الدنيا بالاموال والآخرة بالأعمال» .

۴۹ . ر.ك: مشكاة الانوار، ص ۳۱۶؛ بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۵۲

۵۰ . ر.ك: مجموعة ورّام، ج ۱، ص ۹۲؛ بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۲۲۵ و ص ۳۵۳؛ وج ۱۰۱، ص

۱۶۰۹؛ احياء علوم الدين، ج ۴، ص ۱۴

۵۱ . ر.ك: نص النصوص، ص ۳۷۲، نرم افزار معجم مداخل.

(۵۲)

سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ. ۵۲

مهتر قوم، خدمتکار ایشان است.

خدمت اجنبی کن و خویشان تا که گردی تو مهتر ایشان

(۵۳)

اَكْرَمُوا الضَّيْفَ وَلَوْ كَانَ كَافِرًا. ۵۳

گرامی دارید مهمان را و اگرچه کافر باشد.

گر تو را کافری شود مهمان با وی اکرام باید و احسان

(۵۴)

شَرُّ النَّاسِ مَنْ أَكَلَ وَحَدَهُ. ۵۴

بدترین مردمان کسی است که طعام، به تنهایی خورد.

خوردنی هر که می خورد تنها او بود بدترین خلق خدا

(۵۵)

الضَّيْفُ إِذَا نَزَلَ نَزَلَ بِرِزْقِهِ وَإِذَا خَرَجَ [خَرَجَ] بِذُنُوبِ أَهْلِهِ. ۵۵

مهمان چون فرود آید، فرود آید به روزی [خود] و چون بیرون رود ببرد گناه اهل آن خانه را.

میهمان روزی آورد همراه وقت رفتن برد جمیع گناه

(۵۶)

الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ. ۵۶

بدرستی که مؤمنان برادران یکدیگرند.

اهل ایمان برادران باشند مشفق یکدیگر به جان باشند

۵۲. ر.ك: من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۷۸؛ كنز العمال، ج ۹، ص ۴۰، ح ۲۴۸۳۴

۵۳. ر.ك: بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۳۷۰

۵۴. ر.ك: عوالي اللئالی، ج ۱، ص ۲۸۷

۵۵. در كنز العمال، ج ۹، ص ۲۴۲، ح ۲۵۸۳۶، با این عبارت آمده: «إذا دخل الضيف على القوم دخل

برزقه وإذا خرج، خرج بمغفرة ذنوبهم».

۵۶. ر.ك: کافی، ج ۲، ص ۳۳۳ و ج ۵، ص ۱۳۰ السنن الكبرى، ج ۱۰، ص ۲۳۱؛ بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۷۵

(۵۷)

مَنْ عَشِقَ وَكْتَمَ وَعَفَّ وَمَاتَ فَقَدْ مَاتَ شَهِيداً. ۵۷

هر که عاشق شود و پوشیده دارد آن عشق را و عفت و ورزد و بمیرد پس بدرستی که شهید مرده است.

عشق پاك آنکه او نهان ورزید چون در آن عشق مُرد هست شهید

(۵۸)

رُبَّ صَائِمٍ لَيْسَ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَالْعَطَشُ. ۵۸

بسا روزه دار که نیست او را از روزه خود حاصلی جز گرسنگی و تشنگی!

ای بسا روزه دار کز صومش نیست حاصل بغیر جوع و عطش

(۵۹)

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ خَيْرًا مَطَرَهُمْ بِاللَّيْلِ وَشَمَسَهُمْ بِالنَّهَارِ. ۵۹

چون خواهد خدای تعالی به قومی نیکی را، باران دهد ایشان را به شب و آفتاب دهد

ایشان را به روز.

نظر رحمت است از جِسْبَارِ مطر لیل و آفتاب نهار

(۶۰)

كُرِّمُوا أَوْلَادِي الصَّالِحِينَ لِلَّهِ وَالطَّالِحُونَ لِي. ۶۰

گرامی دارید فرزندان مرا، صالحان را از برای خدا، و غیر صالحان را از برای دوستی من.

این چنین گفت سید ابرار کاهل بیت مرا گرامی دار

طالحان را برای حرمت من صالحان بهر ایزد ذو المن

۵۷. ر. ک: احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۱۵۷؛ تخریج احادیث الاحیاء، ح ۲۵۲۴

۵۸. ر. ک: مستدالشهاب، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۱۱۲۲۴؛ فضائل الأشهر الثلاثة، شیخ صدوق، ص ۱۴۴، تحقیق:

میرزا غلام رضا عرفانیان، دارالمحجة البيضاء، بیروت، چاپ دوم: ۱۴۱۲ هـ؛ مجموعه ورام، ج ۲،

ص ۱۸۳؛ در دو منبع اخیر با این عبارت آمده: «رب صائم حظه من صیامه الجوع والعطش».

۵۹. با اندکی اختلاف: بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۳۳۴؛ قصص الانبیاء، قطب الدین راوندی، ص ۲۳۶،

تحقیق: غلام رضا عرفانیان یزدی، مؤسسة المفید، بیروت، چاپ اول: ۱۴۰۹ هـ.

۶۰. ر. ک: نظم الثانی (سؤال و جواب)، محمد باقر مجلسی، ص ۳۶۵، نرم افزار معجم مداخل. و با

اندکی اختلاف: مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۷۶